

هفته
ششم

THE 7TH INTERNATIONAL PUPPET THEATRE FESTIVAL

TEHRAN, SEPTEMBER 15-22, 98



هفتمین
جشنواره
بین المللی
نمایش
عروسکی
تهران

۳۱-۲۴ شهریور ۷۷

بیانیه هیئت مدیره مبارک - یونیمما به مناسبت اختتامیه

و اهدای تندیس مبارک به نمایندگان عروسکی شرکت کننده در

هفتمین جشنواره بین المللی عروسکی تهران

جشنواره هفتم، فرصتی بود تا خانواده‌های نمایندگان عروسکی ایران در سایه توجهات مسئولین گرانمایه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، اتحاد، همبستگی و صمیمیت خود را به منصفی ظهور برسانند و برای هیئت مدیره مبارک - یونیمما مرکز ایرانی اتحادیه بین المللی نمایندگان عروسکی نیز فرصت مغتنمی بود که در راستای توجه به نسل جوان نمایندگان عروسکی ایران، حمایت و همدلی خود را به اثبات برساند و به جای حضور در فهرست کارگردانان و نویسندگان و طراحان، در این جشنواره بزرگ و بیاد ماندنی، در بخش های مختلف، وظیفه راهنمایی و ارشاد و مدیریت را به عهده گیرند. بی تردید این اقدام نشانگر تمایل هیئت مدیره مبارک - یونیمما به بقای خانواده نمایندگان عروسکی و حمایت آنان از آیندگان این هنر تلقی می شود و امیدوارم از این پس نیز این گونه فرصت ها برای تلاش و کوشش و همدلی و همراهی پدید آید. به همین دلیل هیئت مدیره مبارک - یونیمما با تاسی جستن از زنده یاد کامبیز صمیمی مفخم هنرمند ارزنده و تلاشگری که عمری عاشقانه در راه آموزش و اجرای نمایش عروسکی کوشید، تصمیم گرفت در جشنواره غیر رقابتی هفتم، تندیس مبارک را به همراه یک سکه بهار آزادی به یاد این هنرمند ارزنده به عاشقان و رهروان نمایش عروسکی و آنها که سعی و مجاهدت برای تداوم حضور ارزنده این هنر همه جانبه و مؤثر داشته اند هدیه نماید. بسیار روشن است که انتخاب چندین نفر از هنرمندان داخلی و خارجی از میان صدها هنرمند شرکت کننده در هفتمین جشنواره بین المللی نمایش عروسکی تهران، کار آسانی نیست و هرگز تصور نمی رود که سایر هنرمندان تلاش ستودنی، وسیع و فراگیر، در این میان شریک نبوده اند. انشاء الله که این گونه قدردانی، مورد رضای حق و مورد عنایت همه خانواده نمایندگان عروسکی، اعم از نمایندگان ایرانی و غیر ایرانی واقع گردد.

اردشیر کشاورزی
محمود فرهنگ

بهروز غریب پور
هما جدیکار

حسین سلیمی
مرضیه برومند



ویژه نامه هفتمین

جشنواره بین‌المللی

نمایش عروسکی تهران

۲۴ تا ۳۱ شهریور ۱۳۷۷

پایان هفتمین جشن عروسکها

محمدحسین ناصر بخت

سرانجام تمامی جشن‌ها «پایان» است و جشن عروسکها نیز بالاخره پس از هفت روز پر تلاش و فعالیت عروسک‌گردانان پیر و جوان، هنرمندانی از ملیتهای گوناگون، به پایان می‌رسد.

هفتمین جشنواره نمایش‌های عروسکی با شرکت صد و اندی گروه ایرانی و خارجی (از کشورهای ترکیه، ارمنستان، گرجستان، ترکمنستان، بلغارستان، اکراین، روسیه سفید، مجارستان، سوئیس، بلژیک، امریکا، هند، یونان، چین و ویتنام) در دو بخش داخل سالن و خیابانی، در تهران و شهرستان‌های گرگان، ازنا، گنبدکاووس، کرمانشاه، یاسوج، فولاد شهر، همدان و قزوین برگزار گردید که چنین حجم و وسعتی در تاریخ برگزاری این جشنواره بی‌سابقه بوده است.

هفتمین جشنواره بین‌المللی نمایش عروسکی تهران فرصتی بود برای آموختن، آموزشی از راه مشاهده و دیدن تحولات و تجربیات نو در زمینه نمایش عروسکی؛ هر چند که هنوز بسیاری از ناگفتنی‌ها باقی مانده است. جشنواره عروسکی فرصتی بود برای گفتگوی ملتها، گفتگویی سرشار از مهر و عطوفت تا بدین سان نهال دوستی‌ها به بار بنشیند.

با این امید، که در دوره‌های بعد با افزودن بر تعداد روزها و اجراها و برنامه‌ریزی دقیقتر شرایطی فراهم آید که دانشجویان و هنرمندان عرصه تئاتر عروسکی، که مخاطبین اصلی بخش خارجی این جشنواره هستند، بتوانند از این فرصت ناب بهره بیشتری برند و در برنامه‌ها فرصت‌های ویژه‌ای جهت دیدار ایشان از پشت صحنه نمایش‌های برتر پیش‌بینی گردد. همهٔ دوستان تازه‌ای را که در این جشنواره یافتیم به خدا می‌سپاریم.

- ۱ * پایان هفتمین جشن عروسکها
- ۲ * هنر عروسکهای جهان و مبارک
- ۵ * گفتا بنشناسم هم خویش...
- ۷ * سفر ارزوم کوراوغلو
- ۸ * قصه‌های عمه گلپهار
- ۹ * گروه عروسک‌بازان هندی
- ۱۰ * گفتگو با گروه عروسکی چین
- ۱۳ * تئاتر انیمیشن
- ۱۵ * بودا در صحنه عروسکها
- ۱۹ * برگی در آسمان ستاره
- ۲۰ * اسامی مسئولان کمیته‌ها
- ۲۱ * ماسکاراس در شعله‌های آتش
- ۲۲ * جشنواره از نگاه آمار
- ۲۳ * بخش انگلیسی



سردبیر: لاله تقیان

مدیر داخلی: صمد چینی‌فروشان

مدیر فنی و هنری: محمد وجدانی

صفحه‌آرایی: شهناز یوسفی

عکس: اختر تاجیک، حجت ترصدی

حروفچینی: امیر شهیدی



هنر عروسکهای جهان و مبارک

بهر روز غریب پور

دوست می‌شویم و آفتاب پر مهر آخر تابستان را، گرمای جاودانه صلح و آرامش و دوستی و حرارت آغازین روز جشنواره هفتم را، در صندوقخانه قلبهایمان به سفر می‌بریم تا بلکه خشونت و بی‌مهری از خانواده بشری رخت ببرند... این آخرین صفحه از برگهای ویژه‌نامه‌ئی است که به نمادهای عروسکی جهان اختصاص می‌یابد. بی‌تردید بسیاری از عروسکهای تازه سال و جوان در کنار عروسکهای صد ساله و هزار ساله و بی‌شک آنها ادامه‌دهندگان این راه خواهند بود و فرزندانمان را و فرزندان فرزندانمان را شاد خواهند کرد، به فکر خواهند برد و گفتگوی فرهنگها و اصالت‌ها و تمدنها را ادامه خواهند داد.

چه آفتاب لذت‌بخشی بود. چه پرشور بود آغازین روز. چه زیبا بود گفتگوی دو عروسک، از ایران و اکراین که بازی‌دهندگانشان بواسطه عروسکهایشان باهم آشنا شدند، چاق سلامتی کردند حتی شاید از نادانسته‌ها پرسیدند و جواب گرفتند. در عین بی‌زبانی اما سراپا یک دل و یک زبان بودند این گفتگویی بود که هزاران سال است ادامه دارد. پانچ و جودی و یان کلاسن، پتروشکا، پولیشینل، کاسپرل، سمار، پولیچینلا و قره‌گز، کاسپارک، واسیلاچ و چانچه و سرانجام مبارک، گفتگوگران فرهنگهای متفاوتند اما چون زاده تخیل مشترک تبار انسانی‌اند با هم رفاقت و دوستی و همبستگی خانوادگی دارند. ما بواسطه آنها با هم دیگر





عروسک جذاب است. در شاه سلیم بازی، صدای مبارک از طریق سوتک یا صفیر ایجاد می‌شود و او را به دنیای دیگری متعلق می‌کند و همین باعث می‌شود که واژگان را دیگرگونه به کار گیرد و عادات روزمره و تعارفات و... را به سخره بگیرد. چهره سیاه مبارک را برخی نشانه سیاهان آفریقایی می‌دانند که از طریق



«مبارک» عروسک شاخص شاه سلیم بازی است. هم خانواده نوکر زیرک، رند، نقاد و بی‌پراوی نمایشهای تخت حوضی ایران است. اگر مبارک را از جمع عروسکهای شاه سلیم بازی حذف کنند تمام شادمانی و طنز و جذابیت این نمایش چندین صدساله فرو می‌ریزد. تیزی زبان، چالاکی رفتار، قدرت هجو، دلسوزی و



اختیار (مبارک) است و قدرت مطلقه خیمه، خود اوست. شاید یکی از دهن کجی‌های زیبای مبارک به دنیای واقعی در همین تفاوت آشکار، میان وجود خیمه‌ای او و موجودیت دنیای واقعی‌اش باشد.

آبهای خلیج فارس به ایران آمده و به تدریج به مشاغلی چون خدمتکاری و کارگری مشغول شده‌اند اما، در صحنه تخت حوضی و شاه سلیم‌بازی، نشانی از این بی‌اعتباری یا کم‌اعتباری اجتماعی وجود ندارد و همه چیز به



بد نیست بدانید:

ترجمه زیرنویس و توضیحات نمادهای عروسکی جهان را صمد چینی‌فروشان چند سال پیش در واحد ترجمه فرهنگسرای بهمن انجام داد و شاید هرگز تصور نمی‌کرد روزی در دستان مشتاقان هفتمین جشنواره بین‌المللی نمایش عروسکی تهران قرار بگیرد.



گفتا که بنشناسم هم خویش ز بیگانه

(برگرفته از اشعار شمس)

□ چرا شیوه تئاتر عروسکی را برای کار انتخاب کردید؟

□ شیوه هر کاری را ساختار و قصه تعیین می‌کند. این قصه به دلیل این که برگرفته از ادبیات کهن ماست، طبیعتاً مخاطب بزرگسال را نیز شامل خواهد شد و می‌بایست از شیوه بن را کو استفاده می‌شد تا جنبه‌های فانتری آن کمتر باشد.

□ در مورد طرح استاد راهنما ارزیابی شما چیست؟ و استاد راهنما شما چه کسی بود؟

□ بسیار بسیار طرح پسندیده‌ای است، امیدوارم که در بقیه جشنواره‌ها نیز اجرا شود. ولی مسئله این است که آن چیزی که در این طرح می‌بایست اتفاق می‌افتاد، اتفاق نیفتاد، برای مثال ارتباط گروه‌ها با مسئولین جشنواره قرار بود از طریق این استادان راهنما باشد. هر چند که تأکید می‌کنم مقصر جشنواره نیست، بدشناسی خود ما هم هست و...



نویسنده و کارگردان: مسعود سمیعی
طراحی صحنه و طراحی عروسکی: آرش شریف‌زاده

موسیقی: بهروز ماجدی
دستیار کارگردان: مهدی لشکری
عروسک‌گردانان: تینوش دبیری - شهرام مسعودی - رضا غفاری - مهرداد مصلحی - لیلا برخوردار - تبسم هاشمی حائری - محمدعلی پرستاری و

محمد رضا سمیعی
خلاصه داستان نمایش:
درویشی در سماع می‌میرد، و او را دفن می‌کنند و کسی از علت مرگش آگاه نمی‌شود. کفن زده‌ها به سراغ گور او می‌روند. نوری را در سینه‌اش می‌بینند. به گمان آن که جواهری است آن را می‌ربایند، و آن دست به دست می‌گردد تا سرانجام نگین انگشتر حاکم می‌شود و چون نگین خونین می‌شود، علت مرگ درویش آشکار می‌گردد.



گوی سفید جادویی

دو پسر بچه به نام‌های احسان و شاهین در حال نقاشی کردن هستند. احسان یک جادوگر کشیده است و قصه‌ای تخیلی درباره نقاشی‌اش تعریف می‌کند. که جادوگر از خورشید نقاشی متنفر است پس با پرده شب روی خورشید را می‌پوشاند اما قدرتی ندارد ناگهان پدر شاهین از پسرش می‌خواهد تا حباب حمام را برای او ببرد احسان لامپ حبابی را می‌گیرد و آن را به عنوان گوی جادویی برای جادوگر استفاده می‌کند حباب روشن می‌شود جادوگر ناراحت و غمگین از بی‌جان بودن پرده شب، گوی را می‌بیند و با خواندن ورد قدرت گوی را به دست می‌آورد. گوی پرده را جان می‌دهد و روز بعد پرده روی صورت خورشید را می‌پوشاند و ...

نویسنده: حسن وارسته جفرودی
کارگردان: علی افشاری
دستیار کارگردان: علیرضا کلاته صالحی
موسیقی: شهرام میرسراجی
طراح صحنه و دکور: مرضیه معروخانی - مینا فشنگ‌چی
طراح و ساخت عروسک: محمود عالیشوندی - صمد باروج و علیرضا افشاری
عروسک‌گردانان: مینا احمدی - فروغ سجادی
- نسترن نیک‌نام - زهره مهدی‌کاشی - آزاده احمدیان - امیر پورصفا - حمید عباسی - احسان قلی‌پور - آیدین افضل - شاهین احمدیان
خلاصه داستان:

قطعه گمشده

پیدا کردن قطعه اصلی خود با ماجراهایی روبرو می‌شود. بعد به قطعه گمشده خود می‌رسد. اما به این نتیجه می‌رسد که باید او را رها کند تا به تنهایی کامل شود. قطعه کوچک حالا به دنبال دایره می‌گردد. او با تلاش خود را تبدیل به دایره کرده و کامل می‌شود.

نویسنده و کارگردان: آویش بیکائی
عروسک‌گردانان: پیمان شریعتی، افسانه زمانی، علی صدیقی، افشین قادر پناه، رامین قادر پناه، شاهین قادری، مهیار جلیوند.
خلاصه نمایش: دایره‌ای ناقص به دنبال قطعه گمشده خود می‌گردد، و در طی مسیر خود تا



سفر ارزروم کوراوگلو



نویسنده و کارگردان: محمد خلیلی
 عروسک گردانان: محمد خلیلی، لیلا خلیلی،
 مریم خلیلی، سحر خلیلی، مرتضی خلیلی،
 سمیرا هاشم‌خانی، مریم زارع، سمیه ابراهیمی،
 سعیده خاشی‌ندا، سپیده خاشی‌ندا، سمیرا
 ابراهیمی، سمیرا کیازاده، ابراهیم سلطانی،
 اسماعیل سلیمانی، عباس صیادی، سوری
 ابراهیمی.

خلاصه نمایش: کوراوگلو، عاشیق جنون را
 جهت جمع‌آوری خبر به شهر و روستا می‌فرستد
 و عاشیق جنون بعد از چند روز به شهر ارزروم
 می‌رود و در آنجا توسط دختر جعفر پاشاخان آن
 شهر متوجه بیرحمی پدرش می‌شود و عاشیق
 جنون خبرها را جمع کرده و کوراوگلو به
 دمیرچی اوگلو می‌گوید که برود و آن دختر را
 پیش کوراوگلو بیاورد، اما دمیرچی اوگلو
 گرفتار جعفر پاشا می‌شود و ...

سرزمین خورشید

شویه اجرا: سایه
 خلاصه نمایش: پروانه جوان در جستجوی نور
 بعد از سرخوردگی از سوی شمع به دنبال
 خورشید و در جستجوی دست یافتن به آن
 زیبایی‌ها، چشمها و جوانی‌اش را می‌بخشد و..

نویسنده و کارگردان: محمد حسن سعادت
 عروسک گردانان: فهیمه میرزا حسینی، شیوا
 قوانینی، سپیده رشیدی، سعید قوامی،
 زین‌العابدین عطایی، نغمه ندی، آزاده ناطقی،
 سمیه رشیدی، علی اکبر نوری.



قصه‌های عمه گل‌بهار



کاری از: ویدا قهرمانی

شعر: ماندانا جعفری

انتخاب و تنظیم آواز: سیامک جهانگیری
طراح ساخت دکور و عروسک: ویدا قهرمانی
زمانی که بچه‌ها در سالن انتظار، منتظر شروع نمایش هستند عمه گل‌بهار آنها را دور خود جمع می‌کند تا برایشان قصه بگوید، با باز کردن صندوق نمایش قصه آغاز می‌شود. بچه‌ها می‌توانند در اجرای موسیقی، افکت و عروسک‌گردانی عمه گل‌بهار را یاری دهند. یکی از قصه‌های عمه گل‌بهار، قصه "مهمان ناخوانده" است.

خلاصه داستان:

بی‌بی فندق پیرزن مهربون قصه ما، توی این دنیای بزرگ، یه خونه قشنگ باید حیاط زیبا و یک حوض پر از ماهی داره. بی‌بی از روشنی صبح کار می‌کند تا تاریکی شب.

یه شب که بارون می‌آومد برای بی‌بی مهمون اومد، مهمونای بی‌پناه از ترس بارون و گرگ شب موندن خونه بی‌بی. فردای اون شب جوجه، مرغ، سکه و الاغه که هیچکسو نداشتند. از بی‌بی خواستند که برای همیشه اونجا بمون که بی‌بی هیچوقت تنهانمونه.





گروه عروسک‌بازان هندی

علیرضا احمدزاده

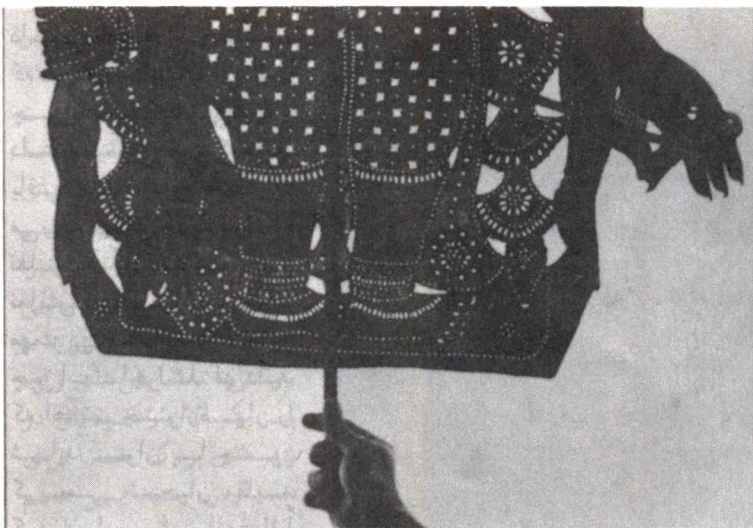
صورت گرفته مثل وزن عروسکها که ابتدا ۲۵ کیلو بود. ولی امروز سبک شده یا نحوه نصب میله‌ها روی دست عروسکها.

این نوع نمایشها در جشن‌های مذهبی و بیشتر در فضای باز در زیر درختان اجرا می‌شود. زمان نمایش در نور کم یعنی موقعی که خداوند را می‌شود زیارت کرد آغاز می‌شود، اما در جشنواره‌های جهانی مجبورند از نور زیاد و در فضای بسته اجرا کنند. این گروه بدون حمایت دولتی و تنها با عشق و ایمان به فعالیت مشغولند.

شری داتارتیا آرالیکاته معروف به داتا (DATTA) بیش از بیست سال است در کنار شغل خود که تدریس است به تئاتر عروسکی اشتغال دارد. در گروه داتا دو فرزند و همسرش حضور دارند. عروسکهای وی با دوشیوه تلفیقی نخی و میله‌ای هدایت می‌شوند. عروسکها حدوداً یک متر ارتفاع دارند و مفاهیم اخلاقی و فلسفی را بازمی‌گویند. سه ریسمان که از عروسکها به یک طناب گرد متصل شده در حقیقت نظارت خداوند بر انسان را نشان می‌دهد. روی سر عروسکها تصویری از ماه و خورشید نقش شده است که حکایت از دو

وجهی بودن مغز انسان دارد. حلقه‌ای که در بینی عروسک تعبیه شده باعث تعادل و آرامش است. الگوهای عروسک روی اعصاب عروسک موثر است و در مجموع زیورآلات دیگر کاربردهای فلسفی و روانشناختی دارند.

این نمایشها، از اساطیر هندی باقی مانده و تنها در تکنیک اجرایی تغییرات محدودی



گفت و گو با ZHU.JIE کارگردان گروه عروسکی

شانکسی (چین)

صمد چینی فروشان

نمایش رقص شیر به اجرا در می‌آید شیر سمبل قدرت است. این رقص مردم را به مبارزه و استقامت در برابر دشواری‌های طبیعت تشویق می‌کند و نوعی حالت مشوق و محرک دارد. شیرها همیشه نمایانگر خوش‌اقبالی و قدرت هستند. رقص شیرها نمایشی است که در

درباره داستان نمایشی که به جشنواره تهران آورده‌اید صحبت کنید؟

اساساً برنامه‌هایی که برای جشنواره تهران در نظر گرفته‌ام، ریشه فولکوریک دارند و جزو داستانهای کلاسیک چین هستند، داستان "میمون شاه و روح شیطانی" برگرفته از مجموعه

داستانی سفر به غرب است که از کتب کلاسیک ادبیات

چین محسوب می‌شود و داستان میمونی است که برای یافتن کتاب مقدس به غرب می‌رود. "رقص شیر" نیز نام نمایش دیگر ماست. این نمایش در "فستیوال بهار" که مهمترین جشنواره در کشور چین است، اجرا شد. می‌دانید که اهمیت جشنواره بهار را شاید بتوان با جشن کریسمس مسیحیان مقایسه کرد. در این جشنواره غالباً



گسترده داستان است و دیگر اینکه مردم با این داستان‌ها اغلب از طریق مطالعه و یا تماشای فیلم و کارتون آشنا می‌شوند. خوب نمایش عروسکی هم زبان ویژه خود را دارد از طرف دیگر آنچه در نمایش چینی مهم است روش‌های صحنه‌ای متفاوت، تنوع در پرداخت صحنه‌ای هنرمندانه آنها - که در گروه‌های مختلف به اشکال کاملاً متفاوتی بروز می‌کند - و نیز شیوه‌های هنرمندانه عروسک‌گردانی در آنهاست که باز هم در هر گروه جلوه متفاوتی پیدامی‌کنند. در چین گروه‌های تئاتر عروسکی فراوانی وجود دارد اما در زمینه اجرایی به گمان من گروه شانکسی یکی از بهترین‌هاست. گروه شانکسی از تکنیک‌های اجرایی خاص و منحصر به فردی برخوردار است و همین آن را از سایر گروه‌ها متفاوت می‌کند.

□ متون چینی غالباً دشوار فهم هستند. آیا کودکان هم می‌توانند مخاطب اجراهای شما باشند؟

□ گروه شانکسی، برنامه‌های گوناگون را برای گروه‌های سنی متفاوت اجرا می‌کند، ما نه فقط میان بزرگسالان که میان کودکان و نوجوانان هم از محبوبیت خاص برخورداریم. به علاوه برای گروه‌های اجتماعی متفاوت هم کارهای متفاوتی اجرا می‌کنیم. از اجراهای محلی در حومه‌های شهرها و روستاها تا نمایش‌های ویژه بزرگسالان و کودکان در شهرهای بزرگ. ضمناً برای مدارس ابتدایی هم برنامه‌هایی در خود مدارس

روستاها و حومه‌های شهرها انجام می‌شود. مجموعه‌ای است از نمایش‌های عروسکی، حرکات آکروباتیک و رقص‌های نمایشی.

□ این نمایش در حقیقت حاوی معانی خاص برای مردم است. آیا متن هم برای آن نوشته می‌شود؟

□ نه. هیچ متنی در کار نیست، در واقع جزء نمایش‌های بسیار کهن چین است که سینه به سینه منتقل می‌شود و کارکرد خاص در فستیوال بهار دارد.

□ این موضوع در مورد بسیاری از متون نمایشی کهن چینی و نمایش‌های عروسکی سنتی چینی هم صادق است. محتوای بسیاری از متون نمایشی چینی پیشاپیش برای مردم روشن است. و شاید بارها آنها را شنیده، خوانده و یادیده باشند. اما سؤال این است که با وجود آشنایی مردم با متن این‌گونه نمایش‌ها چه چیزی آنها را به تماشا ترغیب می‌کند.

□ من فکر می‌کنم دلیل این امر یکی، تنوع



قراردادهای اجرایی در گوشه و کنار جهان یکی از مهم‌ترین منابع درآمدی ماست. در تئاتر شانکسی تعداد قابل توجهی نویسنده، عروسک‌ساز و سایر متخصصین و هنرمندان فعالیت دارند. ما کارگاه‌های بسیاری داریم که در تمام طول سال فعال هستند. ساخت عروسک‌های مومی برای تلویزیون نیز از جمله فعالیت‌های تئاتر شانکسی است که در کارگاه‌های ویژه انجام می‌گیرد.

□ روش جذب نیروهای جدید در تئاتر شاکیسی چگونه است؟ آیا آزمون‌هایی وجود دارد؟
□ اغلب فارغ‌التحصیلان رشته نمایش پس از گذراندن ۳ تا ۵ سال و کسب دانش تئوریک و مهارت‌های لازم در سازمان‌ها و گروه‌های تئاتری مختلف مشغول کار می‌شوند اما برای جذب شدن در تئاتر شانکسی باید آزمون ویژه‌ای را بگذارند.
سپاسگزارم.

اجرا می‌کنیم و نیز برای دانشگاه‌ها. دوره‌های آموزشی خاصی هم، برای دانشجویان رشته نمایش برگزار می‌کنیم.

□ از تئاتر شانکسی و امکانات آن صحبت کنید. از بودجه و حمایت‌های دولت چین، اگر چنین حمایتی وجود داشته باشد.
□ تئاتر شانکسی از سال ۱۹۵۳ تأسیس شده است. حدود ۱۲۷ نفر در آن فعالیت می‌کنند. این تئاتر در تمام طول سال فعالیت اجرایی دارد. دولت حمایت مالی مؤثری از تئاتر ما به عمل می‌آورد که البته کافی نیست و مابقی نیازهای تئاتر از طریق فروش بلیط و فعالیت‌های آن تأمین می‌شود. گاه مجبور می‌شویم به برخی فعالیت‌های تجاری نیز در داخل و خارج چین دست بزنیم. می‌دانید که تئاتر فعالیتی بسیار پرهزینه و عمیقاً فرهنگی و کم درآمد است.
اجرای نمایش در کشورهای مختلف و عقد





تئاتر انیمیشن (انگیزش)

مترجم: فاطمه تیموری

عروسک‌ها و اشیاء به کار خود ادامه داد. گرچه این تئاتر حول محور تجربیات و سنت‌های بازیگری می‌چرخید، اما اشیاء و عروسک‌ها نیز در برنامه کاری آن قرار داشت. عامل اصلی و تشکیل دهنده این تئاتر عروسکی روند متحرک‌سازی آن است، معجزه‌ای که زندگی را سرعت می‌بخشد و در روی صحنه می‌توان بدان تحقق بخشید. جذابیت این نوع تئاتر در گروه توانایی استفاده از تنوع اشکال متفاوت صحنه‌ای است. تماشاگران امروز یعنی کودکان نسبت به تعلیمات زمان طفولیت خود مشکوک هستند. کودکان در جستجوی تئاتری جدی هستند. آن‌ها می‌خواهند خود را در تئاتر خود و نحوه ارائه آن سهیم بدانند و خواستار فرمی از تئاتر هستند که مضامین آن برایشان جذاب باشد.

تئاتر انیمیشن محلی مناسب برای تجربه‌های هنرمندانه است. این تئاتر منحصرأ برای افرادی به وجود آمده است که فرم خاص آن را قبول دارند و بی‌آنکه به دلیل کودکان بودن تئاتر عذر و بهانه‌های اخلاقی را عنوان کنند و بدون حضور پیچیدگی‌ها درام‌های کدایی، نمایش‌هایی را اجرا می‌نمایند که در عین ارتباط با عوامل فوق، کاملاً عیب و عیب محض

تئاتر عروسکی پوزنان (poznan) که در سال ۱۹۵۴ تأسیس شد، بارها اسم خود را تغییر داد تا تکامل پژوهش‌های هنری خود را بدین طریق منعکس کند. ابتدا به نام تئاتر ماریونت (Mationette) و سپس به نام‌های زیر تغییر یافت: تئاتر جوانی (به سرپرستی هالینا لوبیکز (Halina Lubicz)، تئاتر عروسکی مارسینک Maricinek و تئاتر بازیگر (Actor)، به ریاست جوانا پیکارسکا Joanna Pikarska و در سالهای ۱۹۷۶ - ۱۹۶۰ به سرپرستی لئوکادیا سرافینوویچ، Leokada Serafinowicz و سرانجام توسط وجسیچ ویزور کیویچ Wojciech Wiczorkiewicz رهبری و هدایت شد.

معروفترین اجرای تئاتر «پوزنان» که در داخل و خارج کشور وجهه خوبی را کسب کرده است، گرچه بر پایه ذخایر فرهنگی این کشور است اما سنتها را با مفاهیم و بیان معاصر به نمایش درآورده است.

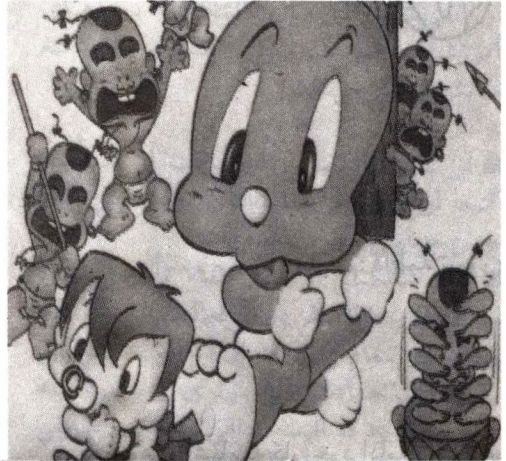
پس از انتصاب جانوز ریل - کریستیانوسکی Jannusz Ryl- Kry-krystianowski به سمت رئیس و مدیر این تئاتر، در سال ۱۹۸۹ تا ۹۰، که نام آن به تئاتر انیمیشن تغییر یافت و با حضور بازیگران،

نقطه شروع یک عمل خشن (Action) است، اما نتیجه، برقراری ارتباط است. یک رفتار آگاهانه قراردادی، استفاده از آن به صورتی عجیب و غریب و شاید مضحک، استعاره‌ها و سمبول‌های موجز همه و همه به صورتی نمایش را پس و پیش می‌کنند تا از ورای آن روزنه‌ای به جهان خلاقیت پیدا شود.

این تئاتر سعی دارد که افسانه‌های کلاسیک لهستان را با آثار ادبی خارجی درهم‌آمیزد و با تفسیر و مرور آن‌ها، نتیجه مطلوبی را کسب کند، نتیجه‌ای که به دور از توهمات و کلیشه‌گرایی باشد. نمایش‌نامه‌های

نویسندگان معاصر، این ویژگی مهم را در خود دارند. اکنون تئاتر در تلاش است تا به طور مداوم با مخاطب در ارتباط و گفتگو باشد.

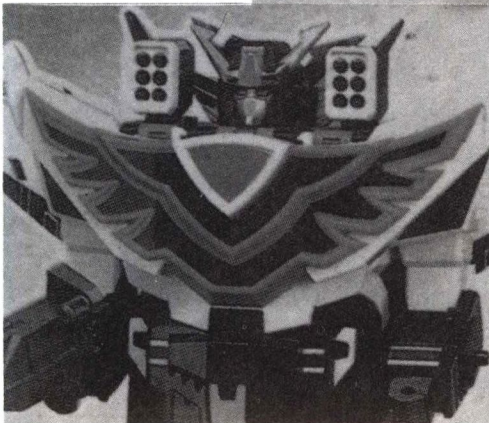
این تئاتر تماس نزدیکی با مرکز نمایش عروسکی مدرن شهر کاواساکی ژاپن دارد.



سنت‌های قدیمی این رشته نیستند و تنها به نیازهای معقول مخاطبان توجه ندارند، بلکه به ذوق و سلیقه آن‌ها نیز بها می‌دهند و تئاتری ادبی و پر مفهوم را بدانها ارائه می‌کنند.

ما تئاتر (Action)

یعنی تئاتر حوادث و اتفاقات را پیشنهاد می‌کنیم، تئاتری که مفهوم آن در لحظه برخورد هنرپیشه با موضوع، پدیدار می‌شود، یعنی درست آن لحظه‌ای که بحران بازیگر - تماشاگر به وجود می‌آید. عامل الهام‌بخش در معنای یک نمایش بستگی به درجه هماهنگی تماشاگر با تم یا موضوع اصلی نمایش دارد و این هماهنگی تنها از طریق لغات سنجیده شده، با دقت و مناسبتی به دست می‌آید که برای القاء معانی مورد نظر، انتخاب می‌شود. در این‌گونه نمایش‌ها





بودا در صحنه عروسکه

«گفتگو با میهمانان سری لانکا»

نالین گامواری و جای دیوا

صمد چینی فروشان

هفتمین جشنواره بین‌المللی عروسکی تهران میزبان دو تن از هنرمندان برجسته عروسکی سری لانکا است. "نالین گامواری" از شهر آمبولان گوته و دیگری استاد پیر و نام‌آور نمایش عروسکی "ماریونت سری لانکا"، «جای دیوا» به همراه عروسک‌های نمایشی خود، اما به تنهایی در جشنواره حضور یافته‌اند. هر دو هنرمند، چند روز پیش از آغاز جشنواره وارد کشور ما شدند. فرصت مغتنمی که می‌بایست از آن برای انجام گفت و گو سود می‌جستیم در لابی هتل مرمر، محل استقرار گروه‌های میهمان روز اول ورودشان به استقبال شتافتیم، "نالین گامواری" علی‌رغم اندام نسبتاً درشت تنومندش محبوب و خجالت‌ناز می‌نمود به کمک دوست هم‌راهش که انگلیسی را با لحن شیرین و آهنگی سری لانکایی تکلم می‌کرد. با او به گفت و گو نشستیم از او درباره گروهش پرسیدیم. من به تنهایی آمده‌ام چون جشنواره فقط از من دعوت کرده است به همین دلیل احساس تنهایی می‌کنم.

□ چه هدیه‌ای برای ما آورده‌اید؟



بود. نام او لایندیز بود. ما عروسک‌های متنوعی را به کار می‌گیریم.

□ تاکنون در چه جشنواره‌های خارجی شرکت داشته‌اید؟

□ ژاپن، تایوان، و جشنواره ۱۹۹۰ هند.

□ به شما خیر مقدم می‌گوییم و برایتان اوقات خوبی در ایران آرزو می‌کنم.

● گفتگو با جای دیوا

در تمام مدت گفت و گوی مان پیرمزد سیاه چهره مهربان «جای دیوا» با لبخند آشکار و صمیمانه‌اش ساکت و آرام نشسته بود. او مرا به یاد استاد خمسه‌ای می‌اندازد او استاد دانشگاه در زمینه نمایش‌های عروسکی در سری لانکاست.

یکی از چهره‌های قدیمی و حرفه‌ای نمایش عروسکی سری لانکاست. «جای دیوا» هم به تنهایی همراه عروسک‌هایش به جشنواره آمده است. اما او با سرمایه خودش به ایران آمده است. قرار است در سمینار عروسک و گفتگوی تمدن‌ها در باره نمایش عروسکی در سری لانکا و نحوه کارکرد عروسکها سخنرانی کند. می‌گوید متن سخنرانی خود را آماده کرده است. او درباره امکان گفتگوی تمدن‌ها به کمک هنر عروسکی می‌گوید:

□ عروسک‌ها بسیار قدرتمندند و امکانات بسیاری را در اختیار ذهن هنرمند برای بیان ایده‌هایش فراهم می‌کنند. هنر عروسکی همچنین امکان بسیار خوبی برای خلاقیت فراهم می‌کند. کسانی که قادر نیستند در حضور دیگران آشکار را حاضر شوند عروسک‌ها این فرصت را برایشان فراهم می‌کنند. از نظر

□ عروسک‌هایم را. اما اجرای نمایش برایم مقدور نیست هنوز از برنامه‌ای که جشنواره برای من در نظر گرفته است آگاه نشده‌ام، شاید فقط به معرفی عروسک‌هایم و طرز کار آنها اکتفا کنم.

□ معمولاً چه نوع داستانهایی را اجرا می‌کنید و چه نوع عروسک‌هایی به کار می‌برید؟
□ گروه من تنها به اجرای داستان‌های سنتی و کهن می‌پردازد. ما از عروسک‌های نخی استفاده می‌کنیم که نوع بسیار قدیمی عروسک‌های نمایش در سری لانکاست.

ما داستانهایی را درباره بودای بزرگ به کمک عروسک‌ها به نمایش می‌گذاریم ما معتقد به تناسخ هستیم بنابراین عروسک‌های ما در قالب شخصیت‌های قابل احترام رفتار می‌کنند و بسیار هم مورد توجه و احترام هستند.

□ از کمک مالی دولت سری لانکا برخوردار هستید؟

□ نه. در سری لانکا هنوز مسائل به این صورت نیست. دولت کمکی به ما نمی‌کند و ما هم صرفاً به درآمد حاصل از اجراها وابسته‌ایم.

□ کدام گروه سنی مخاطب نمایش‌های شما هستند؟

□ نمایش‌های من از محتوای عمیق و سنگینی برخوردارند به همین دلیل هم تنها برای بزرگسالان قابل فهم هستند.

□ خود شما عروسک‌ها را می‌سازید؟ آیا در نمایش شما شخصیت‌های ثابت و شناخته شده‌ای حضور دارند؟

□ عروسک‌ها را خودم می‌سازم و عمدتاً هم از جنس پایه‌ماشه یا نوع پر شده از پارچه و کاغذ هستند. پدر من هم عروسک‌ساز بود و از چهره‌های معروف هنر عروسکی سری لانکا

می‌کردند پس تئاتر عروسکی عامل مهمی است برای درآمیختگی فرهنگی و گفتگوی میان آنها.

□ چند سال است که به حرفه عروسکی اشتغال دارید؟

□ من از سال ۱۹۴۵ کار عروسکی را آغاز کردم و در کنار کار عملی به مطالعه و تحقیق در زمینه نمایش عروسکی پرداختم. من به اغلب کشورهای بزرگ جهان (انگلستان، آمریکا، روسیه، هند، تایوان و...) سفر کرده‌ام. در ژاپن نیز به عنوان کارگردان و رهبر گروه عروسکی به اجرای نمایش پرداختم. در فستیوال یونینا نیز شرکت داشتم. اما سفرم به ایران برای اولین بار است.

□ موقعیت نمایش عروسکی سنتی ماریونت در کشورتان چگونه است؟

□ این هنر را در سریلانکا احیاء و ابقاء کنم. این‌گونه نمایش‌ها اوایل فقط در روستاها محبوبیت داشت، اما با تلاشی که در جهت توسعه و ارتقاء این هنر به عمل آمد، اکنون در تمام کشور طرفدار دارد و به عنوان یک هنر سنتی ارزشمند مورد استفاده و استقبال مردم است. در ابتدای امر، هنگامی که من کارم را شروع کردم، متوجه شدم که نمایش عروسکی در انگلستان، آمریکا و اروپا تنها یک نمایش سنتی نیست، بلکه تئاتری زنده و روبه پیشرفت است. و از این تئاتر در تلویزیون نیز استفاده می‌شود و حتی برای اهداف رادیویی نیز به کار گرفته می‌شود. پس شروع به آموختن و کسب تجربه در اتحادیه عروسکی لندن کردم. سخنرانی‌هایی را هم در رادیوی بی‌بی‌سی داشتم و در مورد تئاتر عروسکی آسیا نیز کتابی به رشته تحریر درآوردم. ما سعی کردیم عروسک‌های جدیدی بسازیم عروسک‌هایی که توجه مردم را به خود

روانشناسی عروسک سهم مهمی در کشف و بروز استعدادها دارد. تاریخ تئاتر عروسکی سریلانکا شاهد خوبی برای امکان گفت و گو میان تمدن‌ها است. در هند عروسک‌گردان‌های سیار وجود داشتند که مدام در سفر بودند. در رومانی و بلغارستان هم همین‌طور حتی در اروپا کولیها از شمال به جنوب در حرکت بودند. در آسیای مرکزی سیرک‌های سیار شاهد همین جریان بوده‌اند.

این گروه‌ها در جریان جابجایی انسان‌ها شرایط امتزاج فرهنگی اقوام خود و نیز درآمیختن فرهنگ کشورشان با فرهنگ کشورهای دیگر را فراهم می‌کردند. از سنت‌های یکدیگر گرفته‌برداری می‌کردند و شرایط ارتباط فرهنگ‌ها و گفتگوی میان آنها را فراهم



جلب کنند. و از دانش آموزان شروع کردیم و توانستیم که علاقه و توجه آنان را بدین هنر برانگیزانیم.

□ از چه نوع عروسک‌هایی استفاده می‌کنید؟ و قدمت این هنر در کشور شما به چند سال پیش برمی‌گردد.

□ ما از عروسک‌های نخی استفاده می‌کنیم این هنر بسیار قدیمی است، اما به عنوان تئاتر می‌توان گفت که تنها ۱۵۰ سال عمر دارد. در ارتقاء این هنر پرتغالی‌ها به ما کمک فراوانی کردند. آنان طی سفرهایی که به سریلانکا داشتند نمایش‌هایی که به اجراء درآوردند کمک شایان توجهی به ما در ارتقاء و توسعه این

هنر کردند.

□ آیا عروسک‌های شما شخصیت‌های خاصی را خلق کرده‌اند؟ شخصیت‌هایی که همگان آنها را بشناسند؟

□ بله دلک، مرد روستایی، کدخدا (خان) روستا و سایر شخصیت‌های تیپیک معمول در نمایش سنتی.

□ از راوی هم برای نقل داستان و برقراری ارتباط با تماشاگر استفاده می‌کنید؟

□ بله. اما نه در گروه ما. برای بزرگسال از این روش استفاده می‌شود و برای بچه‌ها از نمایش‌های کم‌دی و خنده‌آور استفاده می‌کنیم و آنان از این نمایش‌ها بسیار لذت می‌برند.



بوی یاس

نویسنده: محمود درویشی

کارگردان: زهره درویشی

عروسک‌گردانان: مریم یعقوبی، معصومه مجابی، مریم شمس، لیلا یعقوبی، مهدیه درویش.

موسیقی: زهره درویش

طراح عروسک: مریم درویشی

ساخت عروسک: بنفشه نگار

شیوه نمایش: سایه

خلاصه نمایش: دو پروانه به نام پرک و پرپری با هم دوست هستند، به خاطر اشتباه پرپری، پرک در تار عنکبوت اسیر می‌شود. عنکبوت قصد دارد گل‌های یاس را که سمبل دوستی هستند از بین ببرد. بالاخره پرک با کمک زاغی و دوستی و محبت پرپری نجات پیدا می‌کند و با از بین بردن عنکبوت جنگل از سلطه او خارج می‌شود.



برگی در آسمان ستاره

خلاصه نمایش: دخترک بیماری دچار کابوس مرگ می‌شود. و تنها امیدش برگهای درخت خانه‌اشان است و با هر برگگی که می‌افتد یک روز از عمر دختر کم می‌شود. تا اینکه ...

نویسنده: مهرداد رایانی مخصوص
کارگردان: سپیده نظری پور
طراح و ساخت عروسک: عادل بزدوده
مشاور و طراح صحنه: آقای مجید میر فخرایی
آهنگساز: عبدلی و آقای خواجه پور

یاد بعضی نفرات ...

«به یاد کامبیز صمیمی مفخم که یادش سبز باد»

فوزیه رجبی

کامم را به خنکای نسیم‌اش میهمان می‌کند. به جست و جوی او تا درگاه لبخند و مهر، تلاش و صمیمیت می‌روم.

یاد او که پر تلاش بود و صمیمی. یاد او که نامرادی و نامردمی‌های روزگار را به هیچ گرفت و گام بلند همتش را بر سنگلاخ طریق عشق نهاد بی‌توقعی. او که به هر جا پا گذاشت سبیدی از مهربانی هدیه کرد و به فضای پر اندوه بهشت زهرا نیز نسیم شور و زندگی دمید تا ناباوران ببینند که در شوره‌زار هم می‌توان گلی رویاند اگر دلی عاشق داشته باشی!

یاد بعضی نفرات

روشنم می‌دارد

جراتم می‌بخشد!

«نیما»

هیاهوی جشن عروسک‌ها گوش فلک را خوش می‌نوازد. موعده مبارک جشن هفتم عروسک‌ها رسید. همه‌ی عروسک‌ها از آن سوی دنیا آمده‌اند که هفت روز با هم باشند و در زیر سقف کبود، طرحی نو دراندازند. بچه‌ها بی‌تاب، لحظه‌شماری می‌کنند. در جشن عروسک‌ها که مهربانند و نجیب، آدم بزرگ‌ها را هم دعوت کرده‌اند تا شاید یک لایه از اخم و غرور صورتشان را بردارند و با خنده بزرگ کنند. من جزو میهمانها هستم، آمده‌ام چند روزی در جشن آنها باشم و دلم را میهمان هیاهوی شهر عروسک‌ها کنم. در جمع عروسک‌ها صدایی می‌شنوم، زمزمه‌ای گنگ و نامفهوم که عطر خاک باران خورده را دارد و به زلال یک قطره باران،

«اسامی مسئولان کمیته‌های هفتمین جشنواره بین‌المللی نمایش عروسکی تهران»

۲۴ تا ۳۱ شهریور ۱۳۷۷

دبیر هفتمین جشنواره بین‌المللی عروسکی تهران	حسین سلیمی
قائم مقام و دبیر اجرایی هفتمین جشنواره بین‌المللی عروسکی تهران	بهروز غریب‌پور
مسئول کمیته اداری هفتمین جشنواره بین‌المللی عروسکی تهران	حسن قرائی
مسئول کمیته فنی هفتمین جشنواره بین‌المللی عروسکی تهران	علی اصغر زعیمی
مسئول کمیته حراست هفتمین جشنواره بین‌المللی عروسکی تهران	محسن کاشف
مسئول کمیته پشتیبانی هفتمین جشنواره بین‌المللی عروسکی تهران	جواد افشین‌نژاد
مسئول کمیته هماهنگی هفتمین جشنواره بین‌المللی عروسکی تهران	محمود عطار
مسئول کمیته مالی هفتمین جشنواره بین‌المللی عروسکی تهران	مسعود روایی
مسئول کمیته روابط عمومی هفتمین جشنواره بین‌المللی عروسکی تهران	اردشیر صالح‌پور
مسئول کمیته نمایشهای خیابانی جشنواره بین‌المللی عروسکی تهران	محمود فرهنگ
مسئول کمیته تصویربرداری هفتمین جشنواره بین‌المللی عروسکی تهران	محسن ابراهیمی
مسئول کمیته انتخاب آثار ایرانی جشنواره بین‌المللی عروسکی تهران	حمیدرضا افشار
مسئول کمیته سمینار هفتمین جشنواره بین‌المللی عروسکی تهران	اکبر تشکری‌نیا
مسئول کمیته سمینار هفتمین جشنواره بین‌المللی عروسکی تهران	اردشیر کشاورزی
مسئول کمیته انتشارات و ویژه‌نامه جشنواره بین‌المللی عروسکی تهران	لاله تقیان
مسئول کمیته پی‌گیری هفتمین جشنواره بین‌المللی عروسکی تهران	فاطمه کباریان
مسئول کمیته دفتری هفتمین جشنواره بین‌المللی عروسکی تهران	پریوش نافذی
مسئول کمیته تشریفات هفتمین جشنواره بین‌المللی عروسکی تهران	آذر لاریجانی
مسئول امور گمرکات و استقبال	نقی برقی‌نمینی
حمیدرضا افشار - هما جدیکار - فاطمه معتمدآریا - محمود فرهنگ - مرضیه محبوب - اردشیر صالح‌پور	کمیته انتخاب آثار داخلی
بهروز غریب‌پور - مرضیه برومند - جواد ذوالفقاری - هما جدیکار - محمود فرهنگ - اردشیر کشاورزی - اردشیر صالح‌پور	کمیته انتخاب آثار خارجی
زنده یاد کامبیز صمیمی مفخم - سعید کشن‌فلاح - داود کیانیان - یداله وفاداری - هما جدیکار	کمیته بررسی متون نمایشی



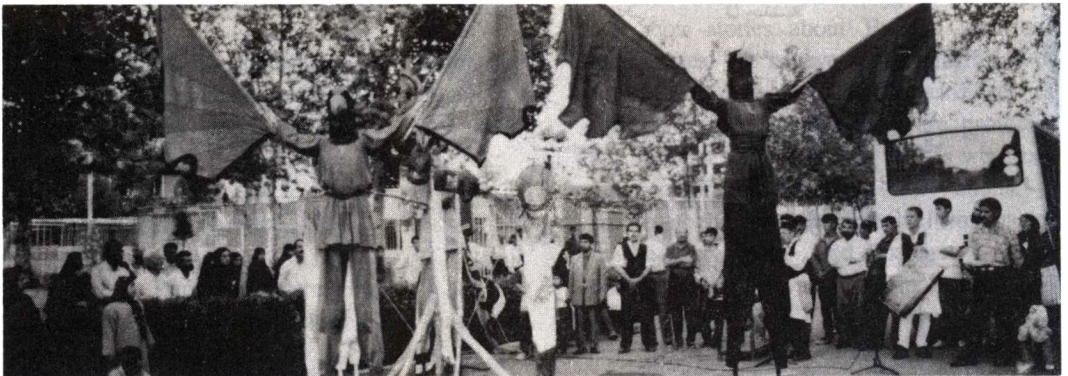
ماسکاراس در شعله‌های آتش

نمایش عروسکی خیابانی شگفتی آفرید

بهر روز غریب پور

پرداختند. نمایشی از مبارزه خیر و شر به نظاره‌گردان خود که طی مدت برگزاری جشنواره از پدیده نمایش عروسکی خیابانی لذت بده بودند و بهتر است بگوئیم مشتری دائمی آن شده بودند پیشکش کردند. خانم «آگنس گال» از شادمانی در پوست نمی‌گنجید و به همه و بدون تعارف می‌گفت: این باشکوه‌ترین اجرایی است که دانسته‌ایم: ۵۰۰۰ نفر تماشاگر در میان فریاد شادمانی و آوای طبل‌ها و سازهای سنتی مجاری آن شب را به پایان رساندند تا فردای نمایش عروسکی خیابانی ایران تولد خود را با کسب تجارب جشنواره و به خصوص اجرای هیجان‌انگیز ماسکاراس ادامه دهد...

نمایشگران خیابانی ماسکاراس در فضای بیرونی تئاتر شهر در انبوه جمعیت مشتاق که برای دیدن یک نمایش استثنایی گرد آمده بود محاصره شده بودند. کارگردان نمایش دلهره داشت. محمود فرهنگ این سو و آن سو می‌دوید. به راستی چگونه بازیگران در حلقه‌ی تنگ تماشاگران می‌توانستند با چوب پاهای آغشته به نفت و آماده اشتعال به اجرای نمایشی بپردازند که ریشه در اعماق سنت‌های کولی‌های مجاری داشت. محمود فرهنگ به کارگردان قول داد که از تماشاگران بخواهد تا صحنه بزرگتری ایجاد کننده و با صمیمیت و لبخندی که مؤثر واقع شد از همه تقاضا کرد که مانع اجرای شگفت‌انگیز و آخرین اجرای "ماسکاراس" نباشند... سرانجام بازیگران با چوب پاهای غرق در آتش به بازی





هفتمین جشنواره بین‌المللی نمایش عروسکی تهران از نگاه آمار

۱۷۶	● تعداد متون متقاضی شرکت در جشنواره
۷۲	● تعداد نمایشهای پذیرفته شده در مرحله اول
۸۵	● تعداد آثار پذیرفته شده بعد از فراخوان دوم
تهران ۱۳۳ - شهرستان ۲۷	● تعداد آثار بازبینی شده توسط کمیته انتخاب
۲۲ نمایش	● تعداد نمایشهای بازبینی شده توسط کمیته انتخاب
۱۴ نمایش	● تعداد آثار پذیرفته شده در جشنواره خیابانی
۶۸ نمایش صحنه‌ای	● تعداد نمایشهای راه یافته به جشنواره
۱۴ نمایش	● تعداد نمایشهای خیابانی ایرانی راه یافته به جشنواره
۱ نمایش	● تعداد نمایشهای خارجی خیابانی
۷۵ نوار تصویری	● تعداد نمایشهای خارجی متقاضی شرکت از طریق فیلم
۴۵ نوار تصویری	● تعداد پذیرفته شده در مرحله اول
۲۲ نمایش از ۲۰ کشور	● تعداد آثار انتخاب شده خارجی جهت شرکت در جشنواره
بیش از ۲۵۰ اجرا	● دفعات اجرا در سالنها
۲۹ سالن	● تعداد سالنهای اجرایی در تهران
۷ سالن	● تعداد سالنهای شهرستانها
۱۲۹ هنرمند	● تعداد هنرمندان شرکت‌کننده خارجی
۱۲۳۰ نفر هنرمند	● تعداد هنرمندان شرکت‌کننده ایرانی
۵ جلسه	● تعداد جلسات سمینار "گفتگوی تمدن‌ها و نمایش عروسکی"
۱۰ نفر	● تعداد سخنرانان در سمینار
بیش از ۱۲۰۰ نفر	● تعداد شرکت‌کنندگان در سمینار
۱ نمایشگاه با همکاری	● برگزاری نمایشگاه
موزه عروسکی ابراتسوف مسکو	
۹ شماره	● تعداد بولتن (روزانه)
بیش از ۱۴۰۰۰۰ نفر	● تعداد تماشاگران

☐ The Sun's Territory

Written and directed by: M.H. Saadati

Being disillusioned by the candle, the young butterfly loses its eyes, youth and beautiful wings in search of light and...

☐ The Scent of Lilcas

Written by: M. Darvishi

Directed by: Z. Darvishi



Two butterflies called Parak and Parpari are friends. Parak falls in the Spider's web due to Papari's fault. The Spider intends to destroy the lilac - a symbol of friendship. At last, Parak is freed by a crow and Parpari's kindness. The forest is also freed after the Spider's death.



☐ An interview with Zhu Jie

Zhu Jie, the director of the Shanxi Puppet Theatre (China), in an interview said: "The puppet shows chosen for Tehran Festival have been adopted from Chinese classic tales. "The Monkey King" and "The Lion's Dance" are two shows to be performed in Tehran Festival. "The Lion's Dance" was staged in "Spring Festival" in China. The Lion is the symbol of power and the dance encourages people to grapple with difficulties.

☐ Animation Theatre

The Greek Puppet Theatre, Poznan, has repeatedly changed names since 1954. Since

1989, it has been called Animation Theatre. It tries to combine various literary elements and myths of Polish traditions with foreign literary works to create valuable literary performances. The plays start with violent actions and end with human understanding and communication. The thematic structures are developed by the use of symbols, metaphors, and comic defamiliarization.

☐ An interview with Nalin Gamvari

Nalin Gamvari says that his group deals with ancient tales using string puppets. They believe in transmigration of souls so their puppets act as respectable characters. Since their performances are so profound that they require mental diligence, they are addressed to adults.

☐ Buddha on Puppets Stage

An Interview with Festival's guests from Sri Lanka

Nalin Gamvari says: our troupe has only traditional performances. We use string puppet which is the oldest style in Sri Lanka. We show stories about Buddha with our marionettes. We believe in transmigration of souls. So our puppets act instead of respectable people. The plays are profound and difficult to understand, that is why they are comprehensible only for adults. I construct the puppets myself from papier mache, or cloth and paper. I have participated in festivals in Japan, Taiwan, and India.



مترجمین: سهیل خداپرستی - فرح یگانه

**English Translators: Soheil Khodaparasti
and Farah Yeganeh**

In the Memory of Kambiz Samimi Mofakham

The 7th International Puppet Theatre Festival of Tehran is going to be held. Children are keenly awaiting the Festival. In their festival, the kind puppets invite adults to remove sadness and make them laugh but Alas, I call your name but there is no response, and I miss you, Kambiz.

I Cannot Know Myself from Others

By: Mas'ood Samiyi

A mystic dies in the process of mystic rituals. He is buried but the reason for his death is not known. The thieves who want to steal his shroud see a light on his chest. Fancing it a jewel, they also take the light with them...

A Leaf in Setareh's Sky

A sick girl, has illusions of death. Her only hope for life is the leaves on a tree. She wrongly thinks that by each leaf that falls down on the ground, one day from her life is reduced...



The Stories by Aunt Golbahar The Unvinted Guests

Bibi Fandogh, a kind old woman, has a beautiful house with a nice courtyard and a little pool full of fish. Bibi works from dawn till dusk. At a night some unvinted guests take shelter from the rain and the wolf. The following day, the animals including a chicken, hen, dog and donkey ask Bibi to stay there for good.

The White Magic Ball

Two boys called Ehsan and Shahin are painting. Ehsan paints a witch and imagines that since the witch hates the sun, she covers it with the veil of darkness. All of a sudden, Ehsan's father asks him to take him a lamp. Ehsan imagines the lamp to be a magic ball which is lit. The witch, unhappy and sad because of the ineffectiveness of the veil, controls the power of the ball by reciting an incantation. The next day, the veil can cover the sun and...

Kouraghlo's Trip to Arzeroum

Written and Directed by: M.Khalili

Kouraghlo sends Ashigh Jonoun to various towns and villages to collect information. Ashigh goes to Arzeroum where he hears from Jaafar Paasha Khan's daughter about her father's cruelty. Kouraghlo asks Demirchi to bring the daughter to him but he is taken by Jaafar Pasha Khan's soldiers and...

خالق خنده‌های به یادماندنی

نغمه ثمینی

نامه‌ای به ...

بیچاره پینوکیو! یک روز صبح زود، چشم‌هایش را که باز کرد، دید از پدر ژپتوی تپل مُپل و دوست داشتنی و مهربان هیچ خبری نیست! انگار آب شده و فرورفته باشد زیر زمین. بیچاره پینوکیو، بیچاره آقای مبادا، بیچاره قطره کوچک و بیچاره تمام عروسک‌هایی که چندی پیش، یک گوشه نشستند و تا آنجا که چشم‌های عروسکی‌یشان می‌توانست، گریه کردند و گریه کردند. آخر دلشان برای عمو صمیمی عزیزشان یک دنیا تنگ شده بود. قدر آبی آسمان، قدر سبزی دشت‌ها! فکر می‌کردند کاش عمو صمیمی هم یک عروسک بود و همیشه کنارشان می‌ماند و با یک نخ و سوزن ناقابل می‌شد، تعمیرش کرد. عروسک‌ها گریه می‌کردند. اما من ... دریغ از یک قطره اشک! آخر شما بگویید یک سبزمینی پشندی چطور می‌تواند گریه کند؟ خود عمو صمیمی وقتی مرا ساخت، پیش گوشم نجوا کرد که: «پشندی جانم تو را می‌سازم تا همه را بخندانی. می‌سازمت که غصه را از دل تمام بچه‌های دنیا پُر بدهی». برای همین هم من نتوانستم با عروسک‌های دیگر گریه کنم.

در عوض یک گوشه نشستم و چشم‌هایم را بستم و خوابیدم. خواب دیدم که عمو صمیمی مهربان، دو بال سفید در آورد و بالا پرید و بعد یک تکه از ابرهای سفید را برید و گرد کرد و از ستاره‌های آسمان برایش چشم‌چشم دو ابرو گذاشت و از سیاهی شب برایش گیس شبق بافت. از گوشه طلایی خورشید پیراهنی دوخت هزار چین و بر تن عروسک کرد. عروسک زیبا شد. زیباترین عروسکی که به چشم دیده بودم. گفتم: «عمو صمیمی، خوب ما را یتیم کردی و اومدی این بالا برای ما عروسک بسازی‌ها؟» عمو صمیمی مثل همیشه خندید و جواب داد: «پشندی جانم، آن پایین انگار در قفس بودم. حالا آزادم و سبک و می‌توانم از ابر و ماه و خورشید عروسک بسازم. می‌فهمی پشندی جانم؟» من نفهمیدم عمو صمیمی چه می‌گوید. هیچ وقت نمی‌فهمیدم که در پس آن خنده مهربان چقدر حرف‌های بزرگ پنهان است. فقط همین قدر بگویم که وقتی از خواب بیدار شدم دیدم همان عروسک زیبایی سپید کنارم نشسته است. آن وقت بود که زیر لب گفتم خوش به حال عمو صمیمی، خوش به حال پدر ژپتو ... و خوش به حال تمام «عمو صمیمیها» که در قالب ما عروسک‌ها، تا ابد زنده می‌مانند.

امضا: سبزمینی پشندی تنهایی که دلش سخت برای عمو صمیمی تنگ شده.





مرکز اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

گروه شانکسی (چین)

کتابخانه